

اجلاس مارس ۲۰۰۷ شورای حکام

در فاصله بین دو اجلاس نوامبر ۲۰۰۶ و مارس ۲۰۰۷ شورای حکام، شاهد برخی تحولات هستیم. در ۲ دی ۱۳۸۵ (۲۰۰۶/۱۲/۲۳) قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت ذیل ماده ۴۱ فصل هفتم منشور ملل متحد برای وضع برخی تحریم ها تصویب شد. از اینرو، مجلس شورای اسلامی در ۶ دی ۱۳۸۵ (۲۰۰۶/۱۲/۲۷) قانون الزام دولت به تجدیدنظر در همکاری با آژانس بین المللی انرژی اتمی را تصویب نمود. براساس این قانون که در همان روز تصویب نیز به تأیید شورای نگهبان رسید، دولت موظف شد با توجه به قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت، به برنامه هسته ای صلح آمیز کشور سرعت بخشیده و در همکاری های خود با آژانس بین المللی انرژی اتمی بر اساس منافع ملت ایران تجدیدنظر نماید. بر این اساس، اجرای کد ۳/۱ ترتیبات فرعی اصلاح شده موافقت نامه پادمان به حالت تعلیق در آمد. در ۱۵ اسفند ۱۳۸۵ (۲۰۰۷/۳/۶) نیز رئیس سازمان انرژی اتمی اعلام کرد که ساخت یک نیروگاه هسته ای با ظرفیت ۳۶۰ مگاوات در دارخوین با استفاده از ظرفیت و توان بومی آغاز شده است.

در ۴ فروردین ۱۳۸۶ (۲۰۰۷/۳/۲۳) قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت علیه فعالیت های صلح آمیز هسته ای جمهوری اسلامی ایران، ذیل ماده ۴۱ فصل هفتم منشور ملل متحد به تصویب رسید. باید گفت که صدور قطعنامه های ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ در حالی صورت گرفت که برای هیچ یک از اقدامات شورای امنیت نمی توان مبنای قانونی ذکر نمود. ادعاها و اقدامات مندرج در قطعنامه های شورای امنیت در مغایرت با حقوق بین الملل، منشور ملل متحد و قواعد آمره می باشند. در این رابطه، می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. آمریکا و سه کشور اروپایی با اعمال فشار و با استفاده ابزاری از شورای امنیت، آن شورا را به اتخاذ اقداماتی در نقض صریح مواد ۱ و ۲ منشور ملل متحد ناظر به اهداف و اصول و همچنین ماده ۲۴ منشور وادار نموده اند. موضوع هسته ای جمهوری اسلامی ایران هیچگاه تهدید صلح و امنیت بین المللی نبوده و نیست و جمهوری اسلامی ایران هیچ یک از تعهدات خود تحت معاهده NPT را نقض نکرده است. هیچ یک از گزارش های مدیرکل آژانس نیز نه تنها بدین امر دلالت نمی نماید، بلکه بر عدم انحراف فعالیت های هسته ای ایران و صلح آمیز بودن آن ها تأکید داشته است. از اینرو، درگیر شدن شورای امنیت در موضوع هسته ای ایران صریحاً مغایر با منشور می باشد. برخلاف نص صریح ماده ۳۹ منشور نیز علی رغم آن که شورای امنیت نه تنها در مورد احراز یکی از وضعیت های سه گانه تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی، نقض صلح و یا تجاوز اتخاذ تصمیم نموده است، بلکه برخلاف آن گواهی داده و عمل خود را برخلاف منشور به ماده ۴۱ فصل هفتم مستند نموده است. شورای امنیت در اتخاذ اقدامات خود تحت مواد ۴۰ و ۴۱ فصل

هفتم منشور می بایست پیش شرط های آن را یعنی عمل به اتخاذ اقدامات تحت فصل ششم رعایت نماید که متأسفانه برخلاف آن عمل شده است.

۲. در قطعنامه های شورای امنیت، هدف اساسی آن کمک به اقتدار عملکرد آژانس بین المللی انرژی اتمی عنوان شده است. این موضوع، مستلزم این است که شورا حداقل در قالب مقررات آژانس اقدام نماید. این درحالی است که شورا در اتخاذ تصمیمات خود حتی پا را فراتر از الزامات قانونی ناشی از NPT، اساسنامه آژانس و موافقتنامه پادمان نهاده است. درحالی که حتی شورای حکام نیز بر ماهیت اکثر درخواست های خود به عنوان اقدامات اعتمادساز داوطلبانه و غیر الزام آور حقوقی تأکید کرده است، شورای امنیت که مدعی حمایت از اقتدار عملکرد آژانس است در مخالفت با شورای حکام عمل کرده و این اقدامات را به منزله الزام های ایران محسوب کرده است. این اقدامات (الزامی کردن اقدامات داوطلبانه توسط شورای امنیت) همان گونه که مدیرکل سیاسی وقت وزارت امور خارجه انگلیس و نماینده فعلی این کشور در سازمان ملل متحد در نامه مورخ ۱۶ مارس ۲۰۰۶ به همتایان آمریکایی، فرانسوی و آلمانی خود اعلام کرده است با اهداف سیاسی صورت گرفته است.

۳. حق دسترسی ملت ایران به فن آوری صلح جویانه هسته ای از مصادیق بارز «حق توسعه»، «حق ملت ها نسبت به منابع طبیعی» و «حق تعیین سرنوشت ملت ها» می باشد. این دسته از حقوق، در زمره حقوق بنیادین بوده و هرگونه نقض آن ها موجبات مسئولیت بین المللی در قبال ملت زیان دیده و جامعه بین المللی به طور کلی را فراهم می سازد. حق ملت ها نسبت به بهره مندی از انرژی هسته ای برای مقاصد صلح آمیز صراحتاً در NPT به رسمیت شناخته شده است و هرگونه اقدام دولت ها و نهادهای بین المللی در جهت تحدید این حقوق، مغایر با اصول اساسی بین المللی از جمله منع دخالت در امور داخلی ملت ها به شمار می آید. شایان ذکر است که در سند نهایی ششمین کنفرانس بازنگاری کشورهای عضو NPT، تمامی کشورها با اجماع پذیرفته اند که «تصمیمات و سیاست های متخذه از سوی کشورها برای چرخه سوخت هسته ای می بایست مورد احترام قرار گیرد.» از اینرو، اقدامات شورای امنیت در مغایرت کامل با اصول NPT و اساسنامه آژانس قرار دارد.

۴. شورای امنیت به عنوان یکی از ارکان مخلوق دولت های عضو، تابع محدودیت ها بوده و ملزم به اجرای همان قواعد هنجاری بین المللی است که دولت های عضو موظف به رعایت آن ها می باشند. این رکن، در اتخاذ هرگونه تصمیم و اعمال اقدامات می بایست به

ویژه قواعد آمره را رعایت نماید و هرگونه اقدام مغایر با این تعهدات، فاقد آثار الزام آور قانونی است. همانگونه که دادگاه بین المللی کیفری یوگسلاوی (ICTY) در یکی از آرای خویش اعلام داشته است «در هیچ جایی نه در متن و نه از روح منشور چنین بر نمی آید که شورای امنیت رکنی است که توسط حقوق محدود نگردیده است» (Legibus Solutus). همچنین، همانگونه که دیوان بین المللی دادگستری در نظریه مشورتی سال ۱۹۷۱ پذیرفته است، دولت های عضو ملزم به اجرای تصمیمات شورا صرفاً زمانی هستند که منطبق با منشور ملل متحد باشد.

در اجلاس مارس ۲۰۰۷ شورای حکام، گزارش مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی درخصوص اجرای موافقت نامه پادمان در جمهوری اسلامی ایران مورد بحث و بررسی قرار گرفت. مدیرکل آژانس در این گزارش به نامه ای اشاره کرد که در ۱۵ فوریه ۲۰۰۷ جهت ایران ارسال نمود مبنی بر این که آیا ایران قصد دارد اقدامی درخصوص حل موضوعات باقی مانده انجام دهد و فعالیت های مشخص شده براساس قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت را تعلق و پروتکل الحاقی را تصویب نماید. در این گزارش به پاسخ جمهوری اسلامی ایران در ۱۹ فوریه ۲۰۰۷ اشاره شده است که «ایران آمادگی کامل و تمایل به مذاکره در مورد نحوه حل و فصل موضوعات موجود با آژانس را دارد، منوط به این که اطمینان حاصل شود موضوع هسته ای درچارچوب آژانس مطرح خواهد شد و شورای امنیت در این زمینه دخالت نخواهد کرد.» مدیرکل آژانس در این گزارش بار دیگر تکرار کرد که هیچ انحرافی در فعالیت ها و مواد هسته ای اظهارشده در ایران مشاهده نشده است.

نماینده جمهوری اسلامی ایران نیز با قرائت بیانیه مفصلی، با مرور سوابق چندسال گذشته همکاری با آژانس و نتایج عملی آن، بر عزم جمهوری اسلامی ایران برای انجام مذاکرات بدون پیش شرط با هدف تضمین عدم محرومیت ایران از حقوق مسلم خود و همچنین بررسی راه های عدم انحراف برنامه هسته ای آن از مقاصد صلح آمیز تأکید کرد. در این بیانیه یک بار دیگر تأکید شد که جمهوری اسلامی ایران کماکان به تعهدات خود تحت موافقت نامه جامع پادمان پایبند بوده و می باشد.

جنبش عدم تعهد نیز با قرائت بیانیه ای، از آمادگی جمهوری اسلامی ایران برای پرداختن به موضوعات باقی مانده منوط به این که موضوع هسته ای صرفاً در آژانس مورد بررسی قرار گیرد، استقبال کرد. در این بیانیه همچنین به سفر نمایندگان ترونیکیای عدم تعهد (مصر، مالزی، کوبا) در ۳ و ۴ فوریه ۲۰۰۷ به جمهوری اسلامی ایران و بازدید از برخی تأسیسات هسته ای اشاره و از آن به عنوان یک اقدام شفافیت و اعتمادساز از سوی ایران یاد شد. در پایان بحث درخصوص موضوع

هسته‌ای ایران نیز رئیس شورای حکام، یک جمع‌بندی از مجموع مباحث اظهارشده را ارائه نمود و به این مبحث خاتمه داد.

موضوع دیگری که در اجلاس مارس ۲۰۰۷ مطرح شد، دربارهٔ پروژه های همکاری فنی ایران و آژانس بود. به دنبال قطعنامهٔ ۱۷۳۷ شورای امنیت و بند ۱۶ آن که مقرر می‌دارد پروژه های فنی که توسط آژانس به ایران ارائه می‌شود فقط باید برای مقاصد غذایی، کشاورزی، پزشکی، ایمنی یا دیگر مقاصد بشردوستانه باشد، دبیرخانهٔ آژانس گزارشی را در مورخ ۹ فوریهٔ ۲۰۰۷ برای اجرای این بند از قطعنامه تهیه نمود و برای اعضای شورای حکام ارسال نمود. جمهوری اسلامی ایران ۱۵ پروژه همکاری فنی ملی، ۳۴ پروژه منطقه‌ای و ۶ پروژه بین منطقه‌ای با آژانس داشت. آژانس در این گزارش این جمع بندی را ارائه کرد که:

- همکاری فنی با ایران در ۱۱ پروژه ملی، ۲۰ پروژه منطقه ای و ۲ پروژه بین منطقه ای می‌تواند ادامه یابد.

- همکاری فنی با ایران در ۳ پروژه ملی، ۴ پروژه منطقه ای و سه پروژه بین منطقه ای نمی‌تواند ادامه یابد.

- همکاری فنی با ایران در یک پروژه ملی، ۱۰ پروژه منطقه ای و یک پروژه بین منطقه ای نمی‌تواند ادامه یابد، مگر این که دبیرخانه در خواستی را در مورد آن‌ها برای ارائهٔ کمک دریافت نماید که در آن صورت آن‌ها را مورد به مورد تحت بررسی قرار می‌دهد که در تطابق با مفاد بند ۱۶ قطعنامهٔ ۱۷۳۷ باشند و با آن تعارضی نداشته باشند.

به هنگام بحث درخصوص این موضوع، نمایندگان ایران، کوبا (از طرف عدم تعهد)، سودان (از طرف گروه ۷۷ و چین)، سوریه، اندونزی، مالزی، ونزوئلا، لیبی، تایلند، بولیوی و کوبا (در ظرفیت ملی) با قرائت بیانیه‌هایی بر این موارد تأکید کردند: وظیفه و مسئولیت آژانس در ارائهٔ کمک های فنی به اعضای خود، عدم استفادهٔ ابزاری از کمک های فنی، عدم دخالت ملاحظات سیاسی و غیرفنی در ارائهٔ کمک های فنی. نمایندگان کشورهای آلمان (از طرف اتحادیهٔ اروپا) آمریکا، کانادا، کرهٔ جنوبی و استرالیا نیز با قرائت بیانیه‌هایی و با اشاره به قطعنامه، خواهان تصویب ارزیابی و جمع بندی گزارش دبیرخانهٔ آژانس با اجماع شدند. شایان ذکر است که نمایندهٔ جمهوری اسلامی ایران با قرائت بیانیهٔ تفصیلی تر به این موارد نیز اشاره کرد: ابراز نگرانی درخصوص رهیافت سیاسی نسبت به موضوع همکاری های فنی، ضرورت عدم تضعیف کار حرفه ای و بی طرفی آژانس توسط تصمیمات با انگیزه های سیاسی شورای امنیت، تصویب تمام پروژه های ایران در شورای حکام و اقدام برای محدودکردن آن‌ها سبب تضعیف آژانس شده است، این اقدام منجر به استفادهٔ ابزاری از شورای امنیت و دخالت آن در

موضوع فعالیت های فنی آژانس شده است، صلح آمیز بودن تمامی پروژه های اختصاص داده شده به ایران. در پایان بحث درخصوص این موضوع، جمع بندی گزارش دبیرخانه آژانس در مورد پروژه های همکاری فنی ایران با آژانس با اجماع به تصویب رسید.

متأسفانه، بر این اساس برخی پروژه های همکاری فنی ایران با آژانس قطع شد. با عمل به این تصمیم غیرقانونی شورای امنیت توسط شورای حکام، بخش مهمی از وظایف آژانس برطبق اساسنامه که همان ترویج و تسهیل فعالیت های صلح آمیز هسته ای می باشد، در معرض خطر قرار گرفته است و اقتدار آژانس به عنوان تنها سازمان بین المللی ذی صلاح برای این موضوع فنی تضعیف شده است. تمامی پروژه های همکاری فنی ایران با آژانس، توسط دبیرخانه آژانس و پس از بررسی ها و مطالعات عمیق پیشنهاد شده اند و توسط شورای حکام نیز به تأیید رسیده اند. تجدیدنظر در چنین پروژه های صلح آمیزی تحت هر بهانه ای فقط اعتبار و تمامیت آژانس را به مخاطره می اندازد. تصمیم شورای امنیت در این زمینه نیز در تعارض کامل با روح و مفاد اساسنامه آژانس قرار دارد. متأسفانه، آژانس عمدتاً بر روی یک محور اساسنامه خود یعنی پادمان متمرکز شده است. این وضعیت منجر به این شده است که آژانس به عنوان یک «سگ نگهبان هسته ای» مشهور شود و دیگر فعالیت های عمده آن در تقویت کاربردهای صلح آمیز هسته ای که به طور فزاینده ای مورد علاقه کشورهای عضو می باشد، تحت الشعاع قرار گیرد. آژانس در اجرای فعالیت های خود نباید همکاری فنی خود را مشروط به هیچ گونه وضعیت سیاسی، اقتصادی، نظامی، یا دیگر شرائط که منطبق بر اساسنامه آن نیستند، نماید.

۱. گزارش مدیرکل آژانس درخصوص اجرای موافقت نامه پادمان در ایران^۱

الف) فعالیت های مربوط به غنی سازی و بازفرآوری

درطول راستی آزمایی اطلاعات طراحی انجام شده در کارخانه غنی سازی سوخت در ۱۷ فوریه ۲۰۰۷، به بازرسان آژانس اطلاع داده شد که دو آبشار ۱۶۴ تایی نصب شده و در خلأ درحال کار می باشند و دو آبشار ۱۶۴ تایی دیگر در مراحل پایانی نصب می باشند. به خاطر این موضوعه آژانس طی نامه ای به تاریخ ۱۹ فوریه ۲۰۰۷ درخواست کرد که ترتیباتی برای جابجایی دوربین ها در سالن آبشار درطول بازدید بعدی آژانس از کارخانه مزبور که بین ۳ و ۵ مارس ۲۰۰۷ برنامه ریزی شده اجراء شود. درطول ژانویه و فوریه ۲۰۰۷، آژانس نمونه های محیطی را جمع آوری کرد و شروع به نصب اقدامات مهار و نظارت در کارخانه غنی سازی سوخت نمود. آژانس استفاده از سلول های داغ در مرکز تحقیقاتی تهران و در تأسیسات تولید مولیبدنیوم، ید و رادیوایزوتوپ زنون، و ساخت سلول های داغ در راکتور آب سنگین ایران در اراک از طریق بازرسی های راستی آزمایی اطلاعات طراحی و تجزیه و تحلیل تصاویر ماهواره ای نظارت کرده است. هیچ نشانه ای از فعالیت های بازفرآوری در این تأسیسات یا سایر تأسیسات اظهارشده مشاهده نگردید.

ب) پروژه های مربوط به راکتور آب سنگین

آژانس در ۲۹ ژانویه ۲۰۰۷ راستی آزمایی اطلاعات طراحی در راکتور ۴۰ - IR ایران را انجام داد که مشاهده شد کارهای عمرانی درحال انجام است. عکس های ماهواره ای نشان می دهد که عملیات تأسیسات تولید آب سنگین نیز درحال انجام می باشد.

ج) مسائل باقیمانده

در ۱۵ فوریه ۲۰۰۷ طی نامه ای آژانس از ایران درخواست کرد که آیا قصد دارد اقدامی در خصوص حل مسائل باقیمانده انجام دهد، فعالیت های مشخص شده براساس قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت را تعلیق و پروتکل الحاقی را تصویب نماید. ایران در پاسخ خود در ۱۹ فوریه ۲۰۰۷ تکرار نمود که آمادگی کامل و تمایل به مذاکره در مورد نحوه حل و فصل مسائل موجود با آژانس را دارد منوط به اینکه اطمینان حاصل شود موضوع در چارچوب آژانس مطرح خواهد شد و شورای امنیت سازمان ملل در این زمینه دخالت نخواهد کرد. «

۱. GOV/۲۰۰۷/۸/، ۲۲ FEBRUARY ۲۰۰۷.

(د) خلاصه

- ایران طی نامه ای به تاریخ ۳۰ نوامبر ۲۰۰۶ موافقت کرد که اجازه نمونه برداری مجدد از تجهیزات دانشگاه فنی در تهران که مقداری اورانیوم طبیعی و ذرات اورانیوم غنای بالا در نمونه های گرفته شده در ژانویه ۲۰۰۶ (بند ۲۴، GOV/۲۰۰۶/۵۳) پیدا شده بود را بدهد. نمونه برداری مجدد در ۲۲ دسامبر ۲۰۰۶ انجام شد. نتایج حاکی از وجود اورانیوم طبیعی و اورانیوم با غنای پائین می باشد. آژانس منتظر توضیحات ایران درباره منبع آلودگی ذرات اورانیوم یافت شده در نمونه های ژانویه و دسامبر ۲۰۰۶ می باشد.
- آژانس هنوز کپی از سند اورانیوم فلزی دریافت نکرده، اما این سند همچنان تحت مهر و موم آژانس قرار دارد و بازرسان آژانس به آن دسترسی دارند.
- تمام UF₆ تولیدشده تحت تدابیر نظارتی و حفاظتی آژانس قرار دارد.
- براساس موافقتنامه پادمان معاهده عدم اشاعه سلاح های هسته ای، ایران به آژانس اجازه دسترسی به مواد و تأسیسات هسته ای اظهارشده را داده و گزارش های حسابرسی مواد هسته ای مورد نیاز که مرتبط با این مواد و تأسیسات بوده اند را ارائه نموده است.
- آژانس قادر است عدم انحراف مواد هسته ای اظهارشده در ایران را راستی آزمایی نماید.
- آژانس قادر نیست عدم وجود مواد و فعالیت های هسته ای اظهارنشده در ایران را مورد راستی آزمایی قرار دهد، مگر این که ایران به موضوعات راستی آزمایی از طریق اجرای پروتکل الحاقی (که در مورخ ۱۸ دسامبر ۲۰۰۳ امضا شده و هنوز اجرایی نشده است) و اقدامات شفاف ساز لازم بپردازد.
- ایران فعالیت های غنی سازی خود را به حالت تعلیق در نیاورده است. ایران به عملیات کارخانه غنی سازی آزمایشی سوخت ادامه داده است. ایران همچنین به ساخت کارخانه غنی سازی سوخت شامل نصب آبشار و انتقال UF₆ به این کارخانه مزبور ادامه داده است. ایران همچنین پروژه های مربوط به آب سنگین خود را ادامه داده است. در مقابل، هیچ نشانه ای از فعالیت های مرتبط با بازفرآوری در هیچ یک از سایت های اظهارشده ایران وجود ندارد.

۲. بیانیه جمهوری اسلامی ایران در شورای حکام^۱

آقای رئیس، نمایندگان محترم

در ابتدا، مایلم قدردانی دولت متبوع خود را از حمایت های کشورهای عضو جنبش عدم تعهد ابراز کنم و همراهی خود را با مواضع اعلام شده توسط سفیر محترم کوبا، به عنوان رئیس گروه عدم تعهد، اعلام نمایم.

سابقه فعالیت های هسته ای در ایران

اولین تلاش های ایران برای دستیابی به فناوری هسته ای به دهه ۱۹۵۰ میلادی بازمی گردد. نخستین کشوری که ایران را به دستیابی به فناوری هسته ای ترغیب و این فناوری را به ایران منتقل کرد (ایالات متحده آمریکا)، نخستین مخالف جدی امروز ایران در تحقق فعالیت های هسته ای آن می باشد. پس از وقوع انقلاب اسلامی و سرنگونی رژیم شاه، جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفت همچنان به عضویت و پایبندی خود به NPT، موافقت نامه پادمان و اساسنامه آژانس ادامه دهد. با وجود این حسن نیت، سرنوشت خوبی در انتظار قراردادهای هسته ای ایران نبود. پس از انقلاب اسلامی، شرکت زیمنس حاضر به تکمیل نیروگاه هسته ای بوشهر نشد و سایر کشورهای غربی و آمریکا نیز از انتقال هرگونه تجهیزات و فناوری هسته ای به جمهوری اسلامی ایران خودداری کردند. این موضوع، حاکی از اعمال یک سیاست و استاندارد دوگانه و تبعیض آمیز در عرصه جهانی است و مؤید این است که کشورهای مزبور تا زمانی که کشوری در راستای منافع و اهداف آنان حرکت نماید، با هیچ مانعی مواجه نخواهد شد. اما با درپیش گرفتن سیاست استقلال سیاسی و اقتصادی و همچنین عدم وابستگی، همین کشورها با بهانه های مختلف و طرح قوانین و مقررات و محدودیت های مصنوعی، از هر نوع همکاری طفره رفته و تعهدات خود را نیز زیرپا می گذارند. این کشورها حتی فراتر از این رفته و در اجرای سیاست استقلال و خودکفایی ملی نیز ایجاد مانع می کنند.

اهداف اصلی برنامه هسته ای ایران

هدف اصلی جمهوری اسلامی ایران در توسعه هسته ای، تولید برق هسته ای می باشد. تا سال ۲۰۲۵، جمهوری اسلامی ایران باید بر اساس رشد مؤلفه های اقتصادی کشور و مصوبه مجلس شورای اسلامی، ۲۰/۰۰۰ مگاوات برق هسته ای را به عنوان برنامه اصلی توسعه نیروگاه های هسته

^۱ این بیانیه توسط علی اصغر سلطانی، سفیر و نماینده جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان های بین المللی در وین قرائت شده است.

ای کشور به اجراء گذارد. حجم سوخت هسته ای مورد نیاز این نیروگاه ها نیز ایران را ملزم به برنامه ریزی بلندمدت برای تأمین آن از منابع داخلی و بیرونی می کند. برخوردهای تبعیض آمیز با جمهوری اسلامی ایران و اعمال استانداردهای دوگانه و همچنین دلایل زیر، ایران را مصمم و ملزم به پیگیری سیاست چرخه سوخت بومی کرده است:

- آمریکائی ها در قبل از انقلاب اسلامی، قراردادی برای تحویل سوخت رآکتور اتمی تهران داشتند که پس از انقلاب، مانع از حمل سوخت آماده به ایران شدند.
- ایران، ۶۰ تن UF₆ در اروپا دارد که هنوز به ما تحویل نشده است. سوخت اولیه نیروگاه بوشهر نیز که توسط ایران از زیمنس خریداری شده بود، ۲۵ سال توقیف شد و حاضر به تحویل آن به ایران نشدند و سرانجام نیز مجوز صادرات آن به ایران لغو شد.
- جمهوری اسلامی ایران ۱۰٪ سهام کارخانه غنی سازی اورودیف را دارد. اما حتی یک گرم اورانیوم نیز به ایران داده نشده است که حداقل برای تولید رادیوایزوتوپ ها با کاربرد پزشکی مورد نیاز فوری کشور بود.
- در دهه ۱۹۸۰ کمیته ای تحت عنوان تضمین تأمین نیازهای هسته ای توسط آژانس برای رفع نگرانی کشورهای که نیروگاه دارند ولی به تولید سوخت نمی پردازند، ایجاد شد. ۷ سال مذاکره این کمیته، نتیجه ای به بار نیاورد. لذا، هیچ سند بین المللی الزام آور حقوقی برای تضمین تأمین سوخت هسته ای نیز وجود ندارد.

سیاست همکاری و رفع ابهام

جمهوری اسلامی ایران تاکنون برای برطرف ساختن ابهامات و ادعاها، حسن نیت و شکیبایی فراوانی نشان داده است و با اتخاذ اقدامات اعتمادساز حتی فراتر از تعهدات قانونی و حقوقی خود، با بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی و دیگر طرف ها همکاری نموده است و همواره بر آمادگی خود برای حل و فصل نگرانی ها و مسائل مورد علاقه از طریق مذاکره و همکاری تأکید کرده است. انجام بیش از ۲۱۰۰ نفرروز بازرسی از تأسیسات و فعالیت های هسته ای، تعلیق داوطلبانه تمامی فعالیت های غنی سازی و تبدیل اورانیوم به مدت دو سال و نیم، امضای پروتکل الحاقی، اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی برای بیش از دو سال، اعطای دسترسی کامل و نامحدود به تمامی مواد و تأسیسات هسته ای، اعطای بیش از بیست مورد دسترسی تکمیلی برطبق پروتکل الحاقی، اعطای بیش از ۲۶ مورد دسترسی به سایت های نظامی، ارائه بیش از هزار صفحه اظهارنامه اولیه طبق پروتکل الحاقی و روزآمد کردن آن ها و ارائه ابتکار هسته ای توسط رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران در مجمع عمومی سازمان ملل مبنی بر مشارکت دولت ها و شرکت های

خارجی در غنی سازی در ایران، بخشی از فعالیت ها و همکاری های جمهوری اسلامی ایران در این زمینه می باشد. اما پاسخ های نامتناسب و غیرعادلانه ای که به این رویکرد سازنده داده شد، به همراه دیگر شواهد و قرائن حاکی از این است که هدف برخی از طرف ها حل و فصل ابهامات نیست، بلکه محروم ساختن و بازداشتن جمهوری اسلامی ایران از پیشرفت های فناوری از جمله در حوزه هسته ای مقصود اصلی آنهاست. متأسفانه اعتماد ما به مقاصد و نیت واقعی برخی از کشورهای غربی در این زمینه تضعیف شده است. ما دریافته ایم که این کشورها به دنبال تحقق اهداف معاهده نمی باشند، بلکه آن ها این معاهده را به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف سیاسی خود قلمداد می نمایند.

از طرف دیگر، جمهوری اسلامی ایران کماکان به تعهدات خود تحت موافقت نامه جامع پادمان پایبند بوده و می باشد و بازرسی های آژانس بدون هیچگونه مانعی مطابق با این موافقتنامه تداوم یافته است. تمامی فعالیت های هسته ای در جمهوری اسلامی ایران از جمله غنی سازی مطابق اساسنامه آژانس، NPT و موافقت نامه جامع پادمان صورت می پذیرد و تحت نظارت کامل و مداوم آژانس از طریق حضور بازرسان و دوربین ها قرار دارند. برخی از مواردی که دال بر همکاری ایران با آژانس می باشد و فقط در گزارش اخیر مدیرکل منعکس شده است، به شرح زیر می باشد:

- آژانس، ارزیابی خود از راستی آزمایی موجودی فیزیکی (PIV) مواد هسته ای در کارخانه آزمایشی غنی سازی سوخت (PFEP) نظنز را که بین ۱۶ و ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۶ انجام شده بود، تکمیل کرده و به این جمع بندی رسیده است که موجودی مواد هسته ای همانگونه که ایران اعلام کرده بود، با نتایج PIV همخوانی دارد.
- در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۶، ایران دسترسی بازرسان آژانس را به اسناد عملیات تولید و دورریز مربوط به غنی سازی در PFEP نظنز فراهم ساخته است.
- ترتیبات راستی آزمایی موقت (شامل نصب دوربین و دسترسی مستمر بازرسان) در کارخانه غنی سازی سوخت (FEP) نظنز در حال اجراست.
- در طول ژانویه و فوریه ۲۰۰۷، آژانس نمونه های محیطی را در FEP نظنز جمع آوری کرد و شروع به نصب اقدامات کنترلی و نظارتی نمود.
- آژانس در ۲۹ ژانویه ۲۰۰۷ راستی آزمایی اطلاعات طراحی در رآکتور IR-۴۰ اراک را انجام داده است.
- همانگونه که جمهوری اسلامی ایران قبلاً اظهار کرده بود، آلودگی دارای منشأ خارجی است. اذعان گزارش ۲۲ فوریه ۲۰۰۷ مدیرکل آژانس مبنی بر این که آلودگی ذراتی شبیه به آنچه که در ایران یافت شده بود نیز در نمونه برداری های صورت گرفته از تجهیزات و

- قطعات سانتریفیوژ در جمهوری عربی لیبی مشاهده شده است و این که این آلودگی ها از یک کشور سرچشمه گرفته اند، مؤید این موضوع می باشد.
- ایران طی نامه ای در تاریخ ۳۰ نوامبر ۲۰۰۶ موافقت کرد که اجازه نمونه برداری مجدد از تجهیزات دانشگاه فنی در تهران را بدهد. این نمونه برداری مجدداً انجام شد.
 - تمام UF₆ تولید شده تحت تدابیر نظارتی و کنترلی آژانس قرار دارد.
 - براساس موافقتنامه پادمان، ایران به آژانس اجازه دسترسی به مواد و تأسیسات هسته ای اظهارشده را داده و گزارش های حسابرسی مواد هسته ای مورد نیاز که مرتبط با این مواد و تأسیسات بوده اند را ارائه نموده است.
 - آژانس قادر است عدم انحراف مواد هسته ای اظهارشده در ایران را راستی آزمایی نماید.
 - هیچ نشانه ای از فعالیت های مرتبط با بازآآوری در هیچ یک از سایت های اظهارشده ایران وجود ندارد.
- علاوه بر آنچه که در بالا ذکر شد، از گزارش قبلی مدیرکل آژانس (GOV/۲۰۰۶/۶۴) در نوامبر ۲۰۰۶ تا گزارش ۲۲ فوریه ۲۰۰۷ مدیرکل، جمهوری اسلامی ایران در ادامه همکاری های خود با آژانس انجام فعالیت ها و بازرسی هایی را تسهیل نموده است که در طول این مدت بالغ بر ۱۵۰ نفر روز شده است:
- کارگاه تحقیق و توسعه غنی سازی (FEP): ۱۸ بازرسی با استفاده از ۴۴ نفرروز بازرسی، نصب ۷ دوربین که تماماً درحال کار می باشند، اعمال مهروموم فلزی آژانس در ۲۲ نقطه استراتژیک.
 - کارگاه آزمایشی تحقیق و توسعه غنی سازی (PFEP): ۱۴ بازرسی با استفاده از ۳۱ نفرروز بازرسی، انجام بازرسی های میانی راستی آزمایی موجودی، انجام بازرسی های راستی آزمایی اطلاعات طراحی.
 - رآکتور تحقیقاتی اراک (IR۴۰): ۲ بازرسی با استفاده از ۲ نفرروز بازرسی، انجام بازرسی های راستی آزمایی اطلاعات طراحی درحال ساخت.

آثار عملی سیاست همکاری و رفع ابهام

اتخاذ چنین سیاستی از سوی جمهوری اسلامی ایران، به این وضعیت منجر شد که آقای البرادعی در گزارش های متعدد خود و همچنین گزارش اجرای پادمان ها در سال ۲۰۰۵ اذعان کرده است که تمامی مواد هسته ای اظهارشده توسط ایران مورد حسابرسی قرار گرفته و هیچ نشانه ای دال بر انحراف مواد هسته ای اظهارشده از مقاصد صلح آمیز در ایران وجود ندارد. اعلام نظر آژانس درخصوص فعالیت های اظهارنشده نیز فرایندی زمان بر است. این وضعیت، مختص به ایران

نیست و هم اکنون آژانس در همین زمینه در حال بررسی نسبت به وضعیت ۴۶ کشور از جمله ایران، آلمان و ۱۳ کشور اروپای غربی دیگر می باشد. از طرف دیگر، آژانس فقط درخصوص ۲۴ کشور، هیچ نشانه ای از مواد یا فعالیت های هسته ای اظهارنشده یافت نکرده است.

واقعیت های فنی

- موضوع هسته ای جمهوری اسلامی ایران برخلاف مفاد اساسنامه آژانس به شورای امنیت ارجاع شده است. برطبق بند ج ماده ۱۲ اساسنامه، احراز عدم پایبندی (انحراف به سمت سلاح هسته ای) برعهده بازرسان می باشد که باید آن را از طریق مدیرکل به شورای حکام گزارش نمایند. این درحالی است که تاکنون بازرسان نه تنها عدم پایبندی را احراز نکرده اند، بلکه به عدم انحراف فعالیت های هسته ای صلح آمیز جمهوری اسلامی ایران نیز اذعان کرده اند. متأسفانه باید گفت ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت صرفاً به دلیل ازسرگیری فعالیت تعلیق شده ای (تحقیق و توسعه در زمینه غنی سازی) صورت گرفت که توسط شورای حکام بر داوطلبانه و غیر الزام آور بودن آن تصریح شده بود.
- توجه شما را به این حقیقت جلب می نمایم که یک بار دیگر اظهارات ایران مبنی بر این که هیچ فعالیت بازفراوری در ایران وجود ندارد، با گزارش اخیر مدیرکل آژانس مورد تأیید قرار گرفته است. بنابراین، قطعنامه های شورای حکام و شورای امنیت درخصوص تعلیق فعالیتی که وجود ندارد، هیچ مبنای حقوقی ندارد.
- در خصوص رآکتور تحقیقاتی آب سنگین ۴۰ مگاواتی اراک نیز همانگونه که قبلاً اعلام شده است، جایگزین رآکتور تحقیقاتی ۵ مگاواتی تهران که عمر آن به زودی پایان می یابد، خواهد شد. این رآکتور، تولید رادیوایزوتوپ ها برای کاربردهای پزشکی و کشاورزی و صنعتی را به عهده خواهد داشت.
- همانگونه که جمهوری اسلامی ایران مکرراً اعلام کرده است، هیچگونه فعالیت و مواد اظهارنشده هسته ای ندارد. آقای البرادعی در سال ۲۰۰۰ اولین بازدید خود را از جمهوری اسلامی ایران انجام داد. در این بازدید، قصد ایران برای انجام برخی فعالیت ها در حوزه فن آوری چرخه سوخت هسته ای و ساخت تأسیسات آن ها نظیر تبدیل اورانیوم (UCF) به اطلاع ایشان رسید. با وجود این که ایران در آن زمان به ترتیبات فرعی جدید نپیوسته بود، لیکن پرسشنامه اطلاعات طراحی این تأسیسات در اصفهان و سایر فعالیت های چرخه سوخت را در سال ۲۰۰۰ به آژانس ارسال نمود. در واقع، آژانس ۴ سال زودتر از زمانی که ایران تحت موافقت نامه جامع پادمان خود به انجام این اقدام موظف بود، از این

اقدام مطلع شد. مدیرکل آژانس همچنین در ۲۱ فوریه ۲۰۰۳ از تأسیسات نظنز بازدید کرد. برای مدیرکل نیز تردیدی نبود که ایران مجبور نبود برطبق موافقت نامه پادمان پرسش نامه اطلاعات طراحی را قبل از این بازدید به آژانس ارائه نماید. برطبق موافقت نامه پادمان، ۱۸۰ روز قبل از معرفی مواد به این تأسیسات باید به این اقدام مبادرت نمود و درواقع با وجود این که ایران هیچ تعهدی در این خصوص نداشت، به این اقدام شفاف سازی دست زد. بنابر این، اطلاق فعالیت اظهارنشده یا پنهان کاری در این خصوص کاملاً و قطعاً نادرست است.

- در خصوص ۳۸ بازرس، بسیار واضح است که ایران و تمامی کشورهای عضو برطبق موافقت نامه پادمان کاملاً حق دارند تا بازرسان منصوب شده را پذیرفته یا رد نمایند. ما معتقدیم که اعمال چنین حقی کاملاً حقوقی است و با اساسنامه آژانس سازگاری دارد و همانگونه که معاون مدیرکل نیز تأکید کرده است، هیچ تأثیری بر بازرسی های جاری در ایران ندارد.

- ضمن یادآوری موضع جمهوری اسلامی ایران که در گزارش ۲۲ فوریه ۲۰۰۷ مدیرکل آمده است مبنی بر این که "ایران آمادگی کامل و تمایل به مذاکره در مورد نحوه حل و فصل مسائل موجود با آژانس را دارد، منوط به این که اطمینان حاصل شود موضوع درچارچوب آژانس مطرح خواهد شد و شورای امنیت سازمان ملل در این زمینه دخالت نخواهد کرد"، سبب تعجب است که این پیام به درستی درک نشده است. آژانس، یک سازمان مستقل راستی آزمایی است و طبیعتاً هرگونه دخالت شورای امنیت در این راستا، سبب تضعیف آژانس و ایجاد موانع برای همکاری با این نهاد صرفاً فنی خواهد شد. شایان ذکر است که جمهوری اسلامی ایران تنها کشوری بود که به طور داوطلبانه پروتکل الحاقی و حتی فراتر از آن را اجراء می نمود. از اینرو، چند کشور خاص که موضوع هسته ای ایران را از مسیر خود خارج کردند، با این اشتباه تاریخی خود مقصر قلمداد می شوند و باید سرزنش شوند. در عین حال، در ارتباط با حل و فصل معدود مسائل باقی مانده، ایران آماده است طبق شیوه های مندرج در نامه های مورخ ۲۷ آوریل ۲۰۰۶ و نامه ۱۹ فوریه ۲۰۰۷ خود به مدیرکل آژانس عمل نماید.

رویکرد تبعیض آمیز و متناقض

باید گفت بعد از گذشت ۳۰ سال، مایه تأسف است که آمریکا و برخی کشورهای دارنده سلاح هسته ای به تعهدات خود تحت معاهده عدم اشاعه پایبند نبوده و نمی باشند. برخی از موارد عدم پایبندی این کشورها به این شرح است:

- اشاعه افقی و عمودی سلاح های هسته ای و حتی تهدید کشورهای فاقد سلاح هسته ای به استفاده از این سلاح ها.
- در زمینه خلع سلاح هسته ای گام های عملی قابل توجهی بر نمی دارند و مذاکرات با حسن نیت به سوی خلع سلاح کامل هسته ای را آغاز نکرده اند.
- در زمینه همکاری های صلح آمیز هسته ای نیز نه تنها از تعهداتشان برپایه معاهده منع گسترش سرباز می زنند، بلکه با توسل به رویکردهای غیرقانونی و تهدید آمیز در پی ایجاد موانع فراوان برای جلوگیری از تلاش های علمی و فعالیت های صلح آمیز هسته ای دیگر کشورها می باشند.
- توسعه انواع جدید سلاح های هسته ای سهل الإستفاده توسط آمریکا و نسل جدیدی از کلاهک های هسته ای توسط انگلیس.
- نادیده گرفتن کامل تعهدات کنفرانس بازنگری NPT در سال ۲۰۰۵، به ویژه ۱۳ گام عملی برای خلع سلاح.

شگفت آور این است که این معدود کشورها خود را ضامن حفظ معاهده می خوانند و برای انحراف افکار عمومی جهانی از زرادخانه های هسته ای خود، انگشت اتهام را بر اساس اطلاعات واهی و گمراه کننده به سوی کشوری نشانه می روند که سلاح های کشتار جمعی هیچ جایگاهی در استراتژی های امنیتی و دفاعی آن نداشته و ندارد. در این راستا، متأسفانه نهادها و سازمان های بین المللی که بی طرفی و نگاه برابر و عاری از غرض ورزی سیاسی مهمترین پایه مشروعیت آن ها می باشد را ابزار دست خود قرار داده اند و در پی بی اعتبار ساختن هرچه بیشتر آن ها می باشند. نمی توان انتظار داشت در این شرایط که کشورهای غیرهسته ای نیز از بدیهی ترین حقوق مشروع خود برای بهره برداری از انرژی هسته ای برای اهداف صلح آمیز محروم می شوند، رژیم NPT کارآیی و اعتبار خود را حفظ کند. کشورهای سلطه جویی که پیشرفت علمی و فناوری ملت های مستقل و آزاد را به عنوان چالشی برای انحصارطلبی خود تلقی می کنند و نمی خواهند شاهد چنین دستاوردهایی در سایر کشورها باشند، تلاش های فنی صلح آمیز جمهوری اسلامی ایران در زمینه هسته ای را که تماماً حقوق قانونی آن و تحت نظارت و پادمان آژانس بین المللی انرژی اتمی

انجام شده است، به گونه ای جلوه داده اند که در راستای تعقیب برنامه سلاح های هسته ای صورت می پذیرد. این یک بازی سیاسی و تبلیغی بیش نیست.

شورای امنیت، مسیر غیر قانونی

علی رغم این همکاری ها و عدم انحراف فعالیت های هسته ای جمهوری اسلامی ایران، بعضی کشورها با انگیزه های سیاسی روند رسیدگی به موضوع را برخلاف اساسنامه آژانس از مسیر قانونی خارج ساخته و تلاش می کنند از طریق شورای امنیت با تحمیل اراده سیاسی خود بر آژانس، جمهوری اسلامی ایران را از حقوق قانونی و مشروع خود در بهره برداری از انرژی صلح آمیز هسته ای محروم سازند. باید اذعان کرد که هیچ توجیه حقوقی، منطقی و حتی سیاسی برای مداخله و اقدام شورای امنیت در این مسئله وجود ندارد. اقدامات شورای امنیت در این زمینه، مبانی و اصول معاهده عدم اشاعه و منشور سازمان ملل متحد را مخدوش و متزلزل می کند. سه کشور اروپایی و تمامی طرف های دیگر باید بدانند مسیر شورای امنیت و تحریم، مسیری غیرقانونی و غیرحقوقی است که کاملاً متباین از مسیر مذاکرات و همکاری های درازمدت می باشد. این مسیر، هیچ کمکی به حل و فصل موضوع نمی کند، بلکه صرفاً به پیچیده شدن مسائل می انجامد. این اقدامات، به منزله مجازات کشوری است که عضو تمامی معاهدات مربوط به خلع سلاح و کنترل تسلیحات بوده و به تعهدات خود پایبند بوده است. این درحالی است که برخی دیگر از کشورها با رفتار بارز خلاف ترتیبات بین المللی نه تنها مجازات نمی شوند، بلکه پاداش نیز می گیرند. از طرف دیگر، رژیم صهیونیستی با خارج ماندن از معاهدات بین المللی مربوطه، بدون هیچگونه دغدغه خاطر، فشار جهانی و اعمال نظارت های بین المللی نسبت به فعالیت ها و تأسیسات هسته ای خود، درحال گسترش کمی و کیفی سلاح های هسته ای خود می باشد. همان دولت هایی که تلاش می کنند تا شورای امنیت را وادار به تحمیل اقدامات تنبیهی بی پایه علیه برنامه صلح آمیز هسته ای ایران نمایند، خود همواره مانع از اتخاذ هرگونه اقدام شورای امنیت، ولو اقدامی اندک، علیه رژیم اسرائیل برای وادارکردن این رژیم به تبعیت از قواعد حاکم بر رژیم عدم اشاعه گردیده اند. با این کار، آن ها آزادی عمل وسیعی به این رژیم داده اند و حتی این رژیم را تشویق می کنند تا آزادانه به توسعه مخفیانه و تملک غیرقانونی سلاح های هسته ای ادامه داده و حتی بدون هراس از کمترین مجازاتی، به طور علنی به این اقدام خود ببالد. جامعه جهانی باید نسبت به تقویت رویکردهای یکجانبه گرایانه به زیان چندجانبه گرایی نگران باشد. رویکرد یکجانبه گرایانه به مسائل بین المللی و برخورد گزینشی با آن ها، موجب تضعیف نهادهای بین المللی خواهد شد. توصیه می کنیم که دیگران با خودداری از اعمال استاندارد های دوگانه و تحمیل اراده سیاسی خود

بر نهادهای بین‌المللی، این موضوع را به یک بحران بین‌المللی تبدیل نکنند که در آن صورت آثار زیان‌بار آن برای جامعه بین‌المللی وسیع و گسترده خواهد بود.

تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای تحت پادمان ایران در معرض تهدید حمله

در حالی که جمهوری اسلامی ایران دسترسی کامل آژانس به تمامی مواد و تأسیسات هسته‌ای خود برطبق موافقت‌نامه پادمان را فراهم نموده است و آژانس قادر است عدم انحراف مواد هسته‌ای اظهارشده در ایران را راستی‌آزمایی نماید، چند کشور و رژیم روزانه و در نقض آشکار بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد در بالاترین سطح مقامات خود تهدید به توسل به حمله به تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای تحت پادمان ایران می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران، این تهدیدات خطرناک و غیرقانونی را با ارسال نامه‌هایی به دبیرکل سازمان ملل و مدیرکل آژانس مستند نموده است. در حالی که اکثریت جامعه بین‌المللی خواستار یک راه‌حل مذاکره‌شده صلح‌آمیز است و ایران آمادگی خود را برای چنین راه‌حلی اعلام نموده است، آمریکا و اسرائیل که هر دو سابقه فعالیت‌های اشاعه عمودی و افقی دارند، به تهدیدات خود علیه تأسیسات تحت پادمان ایران ادامه می‌دهند. قابل‌ذکر است همانگونه که توسط شورای حکام در قطعنامه‌های قبلی خود به رسمیت شناخته شده است، اقدام به تجاوز علیه تأسیسات هسته‌ای تحت پادمان به منزله حمله علیه آژانس می‌باشد. علاوه بر این، در سند نهایی کنفرانس بازنگری معاهده عدم اشاعه در سال ۲۰۰۰، ۱۸۸ کشور تأکید کردند که حمله یا تهدید به حمله علیه تأسیساتی که به مقاصد صلح‌آمیز اختصاص دارند، ایمنی هسته‌ای را به مخاطره انداخته و تأثیرات خطرناک سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی خواهد داشت و نگرانی‌های جدی را درخصوص اعمال حقوق بین‌الملل در مورد استفاده از زور در چنین مواردی مطرح خواهد کرد که مطابق با مفاد منشور ملل متحد، مستلزم اقدام مناسب خواهد بود. چنین حمله یا تهدید به حمله نسبت به تأسیسات هسته‌ای تحت پادمان، در حال کار یا تحت ساخت، وضعیتی را ایجاد خواهد کرد که برطبق بند ۳ قطعنامه ۵۳۳ کنفرانس عمومی آژانس، شورای امنیت سازمان ملل متحد باید فوراً برطبق مفاد منشور ملل متحد اقدام نماید. قطعاً، تداوم عدم اقدام شورای امنیت در چنین موارد حیاتی، منافع و امنیت ملی کشور تحت حمله یا تهدید حمله را به مخاطره می‌اندازد. با در نظر گرفتن رفتار حال و گذشته رژیم اسرائیل در تهدید علیه تأسیسات هسته‌ای تحت پادمان سایر کشورها، آژانس و شورای حکام باید مسئولیت‌ها و تعهدات خود درخصوص چنین نگرانی‌شدیدی را به انجام برسانند.

سخن پایانی

- در دکترین دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران، سلاح های کشتار جمعی از جمله هسته ای هیچ جایگاهی ندارد و طبق فتوای مذهبی رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه‌ای، حرام و مخالف قوانین اسلامی به شمار می‌رود.
- جمهوری اسلامی ایران، همواره تأکید داشته و دارد که مذاکره به عنوان راه معقول و سازنده جهت تفاهم و تعامل، راه سودمندی برای جلوگیری از تقابل است. بدیهی است، مذاکرات برای این که نتیجه بخش باشد و به پیشبرد امور بینجامد، باید بدون پیش شرط بوده و هدف اساسی از آن نیز باید تضمین عدم محرومیت ایران از حقوق مسلم، غیرقابل انکار و به رسمیت شناخته شده خود بر اساس ماده ۴ NPT شامل غنی سازی و چرخه سوخت و اعمال آن و همچنین بررسی راه های عدم انحراف برنامه هسته ای آن از مقاصد صلح آمیز باشد. جمهوری اسلامی ایران از هر پیشنهاد سازنده ای در این راستا استقبال می کند. از اینرو، اگر طرف مقابل مدعی مذاکره است، باید صادقانه و به دور از هرگونه بازی سیاسی وارد مذاکرات شود.
- جمهوری اسلامی ایران همچنان آماده است که چند مسئله باقی مانده را با آژانس حل و فصل نماید.
- جمهوری اسلامی ایران، کماکان به تعهدات خود تحت موافقت نامه جامع پادمان پایبند بوده و می‌باشد و بازرسی‌های آژانس بدون هیچگونه مانعی، مطابق با این موافقتنامه تداوم یافته است.
- جمهوری اسلامی ایران، آماده است برای مکانیسم های تضمین عدم انحراف فعالیت های هسته ای صلح آمیز خود در آینده، با همه طرف های ذی ربط مذاکره نماید و به نتیجه برسد.
- موضوع هسته ای جمهوری اسلامی ایران باید خارج از شورای امنیت مورد رسیدگی قرار گرفته و حل و فصل شود. شورای امنیت، یک مسیر غیرقانونی است و قطعنامه های آن درخصوص برنامه صلح آمیز هسته ای ایران فاقد پایه های حقوقی و قانونی است. هرگونه اقدام بعدی شورای امنیت در این خصوص وضعیت را پیچیده تر می کند، به حل و فصل موضوع هیچ کمکی نمی کند و تلاش ها و ابتکارات اخیر برای ازسرگیری مذاکرات را به مخاطره می اندازد.

- برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران، صرفاً در راستای مقاصد صلح آمیز بوده و در هیچ سطحی (تحقیق و توسعه، نیمه صنعتی، صنعتی)، ظرفیتی برای تولید مواد هسته ای قابل استفاده جهت سلاح هسته ای نداشته و ندارد.
- جمهوری اسلامی ایران، کشوری مسئولیت پذیر در نظام بین الملل است و به تعهدات بین المللی خود همچنان پایبند خواهد بود، ولی در مقابل فشار و تهدید بی تفاوت نخواهد ماند و اجازه پایمال شدن حقوق خویش را نخواهد داد.
- ملت ایران همیشه ملتی آرامش خواه، صلح دوست و صلح طلب بوده و هیچگاه اهل زورگویی و تجاوز نبوده است، اما در مقابل زورگویی و تجاوز با اقتدار و شجاعت ایستاده است.

۳. بیانیه عدم تعهد در شورای حکام

۱. به نیابت از جنبش عدم تعهد مایلم از مدیرکل به خاطر ارائه گزارش خود تشکر نمایم. ما همچنین از دبیرخانه به خاطر توضیحات فنی در مورد این گزارش تقدیر می کنیم.
۲. نم مایل است با اغتنام از فرصت، اصول و مواضع خود پیرامون این موضوع را که در بیانیه مربوط به موضوع هسته ای جمهوری اسلامی ایران مصوب چهاردهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد در روزهای ۱۵ و ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۶ در هاوانای کوبا اعلام شده است، یادآوری نماید.
۳. نم توجه می نماید که مدیرکل در گزارش GOV/۲۰۰۷/۸ خود چنین ارزیابی کرده است که آژانس قادر است عدم انحراف در مواد هسته ای اظهارشده از سوی ایران را تأیید نماید و این که هیچ نشانه ای از وجود فعالیت های جاری بازآوری در ایران وجود ندارد.
۴. نم همچنین توجه می نماید که مدیرکل در تاریخ ۱۹ فوریه ۲۰۰۷ نامه ای را دریافت نموده که در آن جمهوری اسلامی ایران بر آمادگی و تمایل کامل خود برای مذاکره پیرامون مدالیتی حل و فصل مسائل باقیمانده با آژانس، منوط به این که اطمینان حاصل شود موضوع درچارچوب آژانس و بدون مداخله شورای امنیت سازمان ملل بررسی خواهد شد، تأکید کرده است.
۵. با توجه به تحولات اخیر در زمینه این موضوع، نم از تمام طرف های ذی ربط می خواهد ضمن رعایت شکیبایی و خویشتن داری، به اقدامی که ممکن است به تشدید اوضاع و ایجاد تقابل غیرضروری بیانجامد متوسل نشوند.
۶. نم قطعنامه های متعدد کنفرانس عمومی آژانس از جمله تبصره بند ۱۳ اجرایی قطعنامه ۵۳۳ مصوب سی و چهارمین کنفرانس عمومی را یادآوری می نماید که می گوید: حمله مسلحانه یا تهدید به حمله مسلحانه علیه یک تأسیسات زیر پوشش پادمان، اعم از درحال فعالیت یا درحال ساخت، وضعیتی را ایجاد می کند که طی آن شورای امنیت سازمان ملل ناگزیر خواهد بود برطبق مفاد منشور ملل متحد فوراً وارد عمل شود.
۷. نم از سفر اخیر سه کشور عضو نم طی روزهای ۳ و ۴ فوریه ۲۰۰۷ به ایران در معیت نمایندگی گروه ۷۷ و چین و اتحادیه کشورهای عربی، به دعوت مقامات ایرانی استقبال می کند. درطول این سفر که بازدید از برخی تأسیسات هسته ای را شامل می شد، سه کشور عضو نم در جریان آخرین اطلاعات مربوط به برنامه هسته ای ایران قرار گرفتند. نم این دعوت را یک اقدام مربوط به شفافیت و اعتمادساز از سوی مقامات ایران ارزیابی کرد.

این سفر از سوی رسانه های بین المللی زیر پوشش گسترده خبری قرار گرفت. نسخه هایی از گزارش مربوط به این سفر در اینجا قابل دستیابی است.

۴. جمع‌بندی رئیس شورای حکام

شورای حکام با قدردانی، گزارش مدیرکل درخصوص اجرای موافقتنامه پادمان NPT در ایران و مفاد مربوطه قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت را در جمهوری اسلامی ایران ملاحظه نمود. شورای حکام از کار حرفه‌ای و بی طرفانه مدیرکل و دبیرخانه در این خصوص تمجید می‌کند. چند عضو از این که ایران به تعهدات مقرر در قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت درخصوص تعلیق تمام فعالیت‌های غنی‌سازی و بازآوری و کار در تمام پروژه‌های مرتبط با آب سنگین پایبند نبوده است و ایران در عوض به فعالیت‌های غنی‌سازی اش ادامه داده و قصد خود را برای نصب زنجیره‌های اضافی سانتریفیوژ اعلام کرده است، ابراز تأسف کردند. برخی از اعضا از این که برخلاف قطعنامه‌های شورای حکام و شورای امنیت، هیچ پیشرفتی درخصوص روشن شدن سؤالات باقیمانده درخصوص حیطة و ماهیت برنامه هسته‌ای ایران حاصل نشده متأسف شدند و از این که ایران دسترسی به مکان‌ها، اطلاعات و اشخاص مربوطه و اقدامات شفاف‌سازی لازم برای حل این مسائل را فراهم نیاورده، ابراز نگرانی کردند. آن‌ها از ارزیابی مدیرکل مبنی بر این که آژانس قادر نبوده تا پیشرفت بیشتری در تلاش‌هایش برای راستی‌آزمایی درخصوص عدم وجود مواد و فعالیت‌های اظهارنشده حاصل کند مگر این که ایران پروتکل الحاقی را اجراء و اقدامات شفاف‌سازی لازم را اتخاذ نماید، حمایت کردند. چند کشور عضو نگرانی‌شان را از تصمیم ایران درخصوص عدم تأیید انتصاب ۱۰ بازرس و اعتراض به ادام، انتصاب ۳۸ بازرس دیگر ابراز نمودند و از ایران خواستند تا در تصمیم خود تجدیدنظر کند. آن‌ها بر این امر تأکید کردند که ایران باید برای آژانس شفاف‌سازی کامل را فراهم آورد و کاملاً اقدامات خواسته شده توسط شورای حکام و شورای امنیت سازمان ملل را جهت ایجاد اطمینان لازم درخصوص ماهیت منحصرأ صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای خود اجراء نماید. چند کشور عضو بر حق اساسی و غیرقابل انکار تمام کشورهای عضو برای توسعه انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز در تطابق با تعهدات حقوقی مربوطه شان مجدداً تأکید کردند. برخی بر تمایز بین اقدامات اطمینان‌ساز داوطلبانه و تعهدات حقوقی الزام‌آور پادمانی تأکید نمودند. برخی اعضا، ارزیابی دبیرخانه مبنی بر این که تمام مواد هسته‌ای اظهارشده در ایران مورد حسابرسی قرار گرفته را مورد توجه قرار دادند و در عین حال آن‌ها این امر را مورد شناسایی قرار دادند که کار آژانس درخصوص راستی‌آزمایی کامل بودن اظهارنامه‌های ایران، درحال انجام است. چند عضو نیز ایران را تشویق کردند که فوراً به همکاری فعالانه و کامل با آژانس

درچارچوب مأموریت آژانس برای حل مسائل باقیمانده ادامه دهد. آن‌ها همچنین حمایت خود از ایجاد منطقه‌ عاری از سلاح‌ های هسته‌ ای در منطقه‌ خاورمیانه را مجدداً اعلام کردند. آن‌ها بیان کردند که هر حمله یا تهدید به حمله علیه تأسیسات صلح آمیز هسته‌ ای خطر بزرگی را ایجاد خواهد کرد و نقض جدی حقوق بین‌الملل قلمداد می‌گردد. برخی از اعضاء تأکید کردند که آژانس تنها مرجع صلاحیت دار برای راستی آزمایی هسته‌ ای در رابطه با معاهده‌ منع گسترش سلاح‌ های هسته‌ ای (NPT) بوده و باید به کار خود برای حل مسئله‌ هسته‌ ای ایران ادامه دهد. تداوم نیاز برای مذاکره و گفتگو بین تمام طرف‌ها که تمام مسائل مربوطه را پوشش دهد به عنوان راهی برای نیل به یک راه حل درازمدت برای مسئله‌ هسته‌ ای ایران مورد تأکید قرار گرفت. بسته‌ پیشنهادی ۶ کشور با حمایت نماینده‌ عالی اتحادیه‌ اروپا و پاسخ به آن در این رابطه مورد ملاحظه قرار گرفت. برخی اعضاء پیشنهاد مدیرکل برای یک تنفس (time-out) که از یک طرف تعلیق تمام فعالیت‌ های مرتبط با غنی سازی توسط ایران و از سوی دیگر تعلیق اعمال تحریم‌ها از سوی شورای امنیت را مقرر می‌دارد تا مبنایی برای تجدید گفتگوها را فراهم آورد، مورد ملاحظه قرار دادند. آن‌ها احساس می‌کنند که این پیشنهاد مستلزم بررسی جدی است. شورای حکام از مدیرکل درخواست کرد تا به آگاه ساختن شورا از تحولات به صورت مقتضی ادامه دهد.

۵. نامه ۱۹ فوریه ۲۰۰۷ جمهوری اسلامی ایران به مدیرکل آژانس^۱

احتراماً بازگشت به نامه شماره ۳۰/۲۰۰۷-۰۱-MBA-IRA مورخ ۲۰۰۷/۰۲/۱۵، موارد ذیل را به اطلاع می‌رساند:

۱. محور بررسی فعالیت های صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، باید آژانس باشد.
۲. مداخله شورای امنیت در موضوع هسته‌ای ایران فاقد هرگونه مبنای قانونی است و با توجه به همکاری های گسترده کشورمان با آژانس، رسیدگی به موضوع در شورای امنیت با هیچ یک از مفاد اساسنامه آژانس و موافقتنامه جامع پادمان قابل توجیه نمی‌باشد. این مسیر نه تنها هیچ کمکی به حل و فصل موضوع نمی‌کند، بلکه صرفاً به پیچیده شدن مسائل می‌انجامد.
۳. جمهوری اسلامی ایران خواهان چیزی فراتر از حقوق مصرح خود در NPT نمی‌باشد و فقط قصد دارد در قبال انجام (ایفای) تعهدات خود تحت این معاهده، از حقوق خویش نیز بهره‌مند گشته و آن‌ها را اعمال نماید. طبق ماده ۴ NPT، هیچ یک از مواد معاهده به نحوی تفسیر نخواهد شد که به حقوق غیرقابل سلب اعضا جهت توسعه، تحقیقات، تولید و بهره‌برداری از انرژی اتمی برای اهداف صلح‌جویانه، بدون هرگونه تبعیض، خدشه‌ای وارد نماید. ضمناً همه طرف‌های این معاهده متعهد گردیده‌اند که تبادل هرچه وسیع‌تر تجهیزات، مواد، دانش و اطلاعات فنی جهت مصارف صلح‌جویانه از انرژی اتمی را تسهیل نمایند و حق شرکت در چنین مبادلاتی را دارا می‌باشند. اما برخی از کشورهای خاص و دارنده سلاح‌های هسته‌ای به جای ایفای تعهدات و تکالیف خود وفق ماده ۶ NPT مبنی بر توقف مسابقه تسلیحات هسته‌ای و اقدام جهت خلع سلاح هسته‌ای، مانع بهره‌مندی سایر اعضا از حقوق قانونی خود تحت این معاهده می‌شوند.
۴. آژانس نهادی فنی و ارائه‌دهنده خدمات و همکاری‌ها در زمینه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای است. تبدیل آژانس به یک نهاد سیاسی، آن را از اهداف مقرر در اساسنامه دور می‌کند. از هفت وظیفه‌ای که برای آژانس در ماده ۳ اساسنامه آن مقرر گردیده، تنها یک وظیفه مربوط به امور نظارتی می‌باشد.
۵. جمهوری اسلامی ایران به منظور رفع ابهامات و سوء تفاهمات ایجاد شده درباره برنامه هسته‌ای خود و اعمال نهایت شفافیت در مورد آن، اقدامات گسترده و متعددی را در ارتباط با آژانس انجام داده است، از قبیل:

^۱. INFCIRC/۶۹۶, ۶ March ۲۰۰۷.

^۲ آژانس در این نامه اشاره کرد که آیا ایران قصد دارد اقدامی درخصوص حل موضوعات باقی مانده انجام دهد و فعالیت های مشخص شده براساس قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت را تعلیق و پروتکل الحاقی را تصویب نماید.

- همکاری بسیار نزدیک و فراتر از تعهدات حقوقی خویش با آژانس؛
 - پذیرش بیش از ۲۰۰۰ نفر روز بازرسی از تأسیسات و فعالیت های هسته‌ای ایران طی ۳ سال گذشته که در تاریخ فعالیت آژانس بی سابقه است؛
 - تعلیق فعالیت های غنی‌سازی به صورت داوطلبانه (و موقت) به مدت دو سال و نیم به منظور اعتمادسازی و درحالی که چنین اقدامی در هیچ یک از فرازهای موافقتنامه جامع پادمان و حتی پروتکل الحاقی پیش‌بینی نشده است. نکته مهم این است که در پی تعلیق داوطلبانه به شرح فوق نوع جدیدی از بازرسی برای راستی‌آزمایی از انجام تعلیق در جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت که در طول فعالیت آژانس تنها جمهوری اسلامی ایران پذیرای آن بوده است. در همین رابطه، ضرورت قائل شدن تمایزی روشن میان اقدامات داوطلبانه و تعهدات الزام‌آور حقوقی به منظور ممانعت از تبدیل اقدامات داوطلبانه به تعهدات حقوقی، امری است که همواره بایستی مدنظر قرار داشته باشد؛
 - امضای پروتکل الحاقی در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۳؛
 - اجرای داوطلبانه مفاد پروتکل الحاقی از ۱۸ دسامبر ۲۰۰۳ تا فوریه ۲۰۰۶؛
 - اعطای دسترسی کامل و نامحدود به تمامی مواد و تأسیسات هسته‌ای به ویژه در نطنز و کارخانه UCF اصفهان؛
 - اعطای دسترسی تکمیلی (بیش از ۲۰ مورد) طبق پروتکل الحاقی؛
 - اعطای دسترسی به سایت‌های نظامی (بیش از ۲۶ مورد) که نتایج بازرسی‌ها واهی بودن ادعاها و اتهامات مطرح شده علیه جمهوری اسلامی ایران را ثابت نمود؛
 - تقدیم بیش از ۱۰۰۰ صفحه اظهارنامه‌های اولیه طبق پروتکل الحاقی در ۲۱ مه ۲۰۰۱ و به روز کردن آن‌ها که همگی مورد راستی‌آزمایی و تأیید آژانس نیز قرار گرفته‌اند؛
۶. علاوه بر آنچه در بند قبل آمد، از گزارش قبلی مدیرکل آژانس (GOV/۲۰۰۶/۶۴) در نوامبر ۲۰۰۶، جمهوری اسلامی ایران در ادامه همکاری‌هایش با آژانس انجام فعالیت‌ها و اقدامات بازرسی‌هایی را تسهیل نموده که در طول این مدت بالغ بر ۱۳۲ نفر روز شده است. در رابطه با تأسیسات غنی‌سازی نطنز و همچنین رآکتور تحقیقاتی در حال ساخت اراک بازرسی‌هایی انجام گردیده است. خلاصه فعالیت‌های انجام گرفته در این تأسیسات به شرح ذیل است:

- کارگاه تحقیق و توسعه غنی‌سازی (FEP): ۱۵ بازرسی با استفاده از ۳۸ نفر روز بازرسی، نصب ۷ دوربین که تماماً در حال کار می‌باشند، اعمال مهر و موم فلزی آژانس در ۲۲ نقطه استراتژیک.
- کارگاه آزمایشی تحقیق و توسعه غنی‌سازی (PFEP): ۱۳ روز بازرسی با استفاده از ۲۹ نفر روز بازرسی، انجام بازرسی‌های میانی راستی آزمایی موجودی، انجام بازرسی‌های راستی آزمایی اطلاعات طراحی.
- رآکتور تحقیقاتی اراک (IR۴۰): ۲ بازرسی با استفاده از ۲ نفر روز بازرسی، انجام بازرسی‌های راستی آزمایی اطلاعات طراحی در حال ساخت.
- ۷. جمهوری اسلامی ایران کماکان به تعهدات خود تحت موافقتنامه جامع پادمان پایبند بوده و می‌باشد و بازرسی‌های آژانس بدون هرگونه مانعی، مطابق با این موافقتنامه، تداوم یافته است. تمامی فعالیت‌های هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران از جمله غنی‌سازی مطابق اساسنامه NPT و موافقتنامه جامع پادمان صورت می‌پذیرد و تحت نظارت کامل و مداوم آژانس از طریق حضور بازرسان و دوربین‌ها قرار دارند.
- ۸. همانگونه که قبلاً نیز اعلام شده است، رآکتور تحقیقاتی آب سنگین ۴۰ مگاواتی اراک، جایگزین رآکتور تحقیقاتی ۵ مگاواتی تهران که عمر آن پایان یافته، خواهد شد. این رآکتور تولید رادیوایزوتوپ‌ها برای کاربردهای پزشکی و کشاورزی را به عهده خواهد داشت.
- ۹. در ارتباط با حل و فصل معذور مسائل باقیمانده همانگونه که قبلاً در نامه مورخ ۲۷ آوریل ۲۰۰۶ جناب آقای دکتر لاریجانی، دبیر محترم شورای عالی امنیت ملی به جناب آقای البرادعی، مدیرکل آژانس تصریح گردیده است، جمهوری اسلامی ایران کاملاً آمادگی و تمایل دارد در خصوص مدالیتی حل و فصل تمامی مسائل باقیمانده با آژانس در صورت احساس اطمینان از بررسی پرونده هسته‌ای خود در چارچوب آژانس و بدون مداخله شورای امنیت، مذاکره و توافق نموده و همکاری‌های آتی خود را در چارچوب ترتیبات مربوط به ابزارهای راستی آزمایی موجود تنظیم نماید.
- ۱۰. بدیهی است که نیل به چشم‌اندازهای فوق‌الذکر صرفاً از طریق مذاکره مقدور خواهد بود. در همین رابطه، جمهوری اسلامی ایران ضمن تقدیر از تلاش‌های جناب آقای البرادعی، مدیرکل محترم و دیگران در راستای ایجاد فضای مناسب جهت انجام مذاکرات، به سهم خود مهبای مشارکت در مذاکرات سازنده و نه تصنعی به منظور حرکت در جهت حل و فصل موضوعات با آژانس می‌باشد.

۶. بیانیه جمهوری اسلامی ایران در خصوص گزارش همکاری های فنی^۱

آقای رئیس

ابتدا مایلم خود را در اظهارات ارائه شده توسط سفیر سودان به نمایندگی از سوی گروه ۷۷ و چین و همچنین سفیر کوبا به نمایندگی از سوی عدم تعهد سهیم بدانم. از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران بر خود لازم می دانم تشکر صمیمانه خود را از حمایت حیاتی نم از برنامه هسته ای صلح آمیز ایران از زمان طرح این موضوع از سه سال پیش تاکنون و همچنین به خاطر تأکید این گروه بر مواضع و اصول مطرح در اساسنامه آژانس در این ارتباط و اعلام نگرانی آن ها از رویکرد سیاسی حاکم بر این موضوع صرفاً فنی که همانا همکاری فنی آژانس است، ابراز دارم.

برای نخستین بار در تاریخ آژانس، یکی از ارکان مهم اساسنامه آن به مخاطره افتاده است. اقتدار آژانس به عنوان تنها مرجع فنی بین المللی صالح برای این موضوع به نحو جدی تضعیف شده است. باید به خاطر سپرد که آژانس یک سازمان بین المللی مستقل است که بر اساس یک توافق دوسویه دارای روابط همکاری با سازمان ملل است. مهارت حرفه ای و بی طرفی آژانس نباید به واسطه تصمیمات سیاسی شورای امنیت سازمان ملل که سعی دارد به آژانس دیکته کند چگونه و چه موقع یک کشور در حال توسعه عضو آژانس را از همکاری فنی صرفاً بشردوستانه و صلح آمیز با آژانس محروم نماید، تضعیف گردد.

تمام طرح ها و پروژه های جمهوری اسلامی ایران با آژانس پس از یک مطالعه عمیق از سوی دبیرخانه پیشنهاد شده اند، روندی که متعاقباً از سوی شورای حکام وفق مفاد اساسنامه و راهکارهای مناسب مورد بررسی و تصویب قرار گرفته است. تجدیدنظر در چنان پروژه های صلح آمیزی به هر بهانه ممکن تنها به اعتبار و اصالت آژانس آسیب خواهد زد. درخواست مطرح در قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت در مورد همکاری های فنی در تناقض کامل با روح و محتوای اساسنامه آژانس قرار دارد. آشفتگی بانیان اقدامات ناموجه تنبیهی علیه فعالیت های صلح آمیز ایران در قطعنامه شورای امنیت تاحدی منعکس شده که کسانی که هیچ اطلاعی از جنبه های فنی و آئین نامه ها و رهنمودهای معطوف به تصویب پروژه های همکاری فنی ندارند یا انگیزه های بدخواهانه ای دارند، سعی کردند جمهوری اسلامی ایران را از حقوق اساسی آن محروم نمایند. این کار فصل جدیدی را در استفاده ابزاری از شورای امنیت برای کسانی که این شورا را یکی از

^۱ این بیانیه توسط علی اصغر سلطانی، سفیر و نماینده جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان های بین المللی در وین قرائت شده است.

ابزارهای موجود در جعبه ابزار خود می دانند، باز می کند تا در فعالیت های فنی آژانس مداخله نماید.

تمام پروژه های فنی جمهوری اسلامی ایران منحصراً صلح آمیز بوده اند. از اینرو، توقیف و مصادره هریک از این پروژه های مورد تأیید به بهانه نگرانی اشاعه، یک تلاش بیهوده است. ما امیدواریم که دبیرخانه مسئولیت های خود را در حوزه همکاری های فنی در مقاصد بشردوستانه و صلح آمیز به انجام رساند و از مداخلات سیاسی از بیرون جلوگیری نماید. با فرض نقش پراهمیت انرژی هسته ای در سال های آتی و نیازهای فزاینده به این انرژی، همانگونه که در سخنان مقدماتی مدیرکل نیز اشاره شد، باعث تأسف عمیق است که از طریق تصمیمات سیاسی برخی در خارج از آژانس، به این نهاد دیکته می شود پروژه های یک کشور در حال توسعه را که با هدف طراحی و برنامه ریزی برای زیرساخت های نیروگاه های خود و توسعه پایدار صورت می گیرد، متوقف کند. حال آن که انتظار می رود آژانس به کشورهای عضو به ویژه کشورهای در حال توسعه در این خصوص مطابق آن چه در اساسنامه آن آمده است، کمک نماید.

مشارکت ایران در برخی پروژه های منطقه ای که ظاهراً قرار است مورد بازبینی قرار گیرد، تنها کشورهای همسایه آن را از بهره مندی از تجارب مفید ایران محروم خواهد ساخت. برخی از دیگر پروژه های پیشنهادی که قرار است متوقف شوند، صرفاً برای مقاصد بشردوستانه طراحی شده اند و در طولانی مدت نه تنها به توسعه پایدار ایران کمک خواهد کرد، بلکه به توسعه پایدار کل منطقه نیز کمک خواهد کرد و از اینرو، هیچ ارتباطی بین این فعالیت ها و نگرانی های اشاعه وجود ندارد.

باید یادآوری کنم طی سه دهه گذشته، کشورهای در حال توسعه عضو آژانس مکرراً دغدغه های خود را در مورد ماهیت داوطلبانه سیاست موسوم به تأمین هزینه های همکاری فنی اعلام داشته اند. برنامه همکاری های فنی که از ارکان مهم اساسنامه است، تنها از طریق مشارکت های داوطلبانه تأمین اعتبار می شود. گروه عدم تعهد و گروه ۷۷ و چین همواره نگرانی خود را در این خصوص ابراز داشته اند. اقدامات جدید و بی سابقه مبنی بر اعمال محدودیت های بیشتر در مورد پروژه های همکاری فنی، علامت نگران کننده ای برای کشورهای در حال توسعه بوده و مبنی بر این نکته است که آژانس در حال از دست دادن انگیزه و مشوق های ارتقائی خود برای کشورهای در حال توسعه است که نتیجه آن تضعیف اعتبار آژانس خواهد بود.

چند کشور معدود که از اهرم های سیاسی و اقتصادی خود برای اتخاذ تدابیر و اقدامات ناموجه و غیرقانونی تنبیهی استفاده کرده اند تا ایران را از حقوق مسلم خود برای استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای محروم نمایند، ملت بزرگ ایران را نشناخته اند. ملت ایران یک ملت صلح دوست است، اما هرگز فشار یا ارباب را برنخواهد تابید.

۷. بیانیه عدم تعهد در خصوص گزارش همکاری های فنی

آقای رئیس

۱. مایلم به نمایندگی از طرف جنبش عدم تعهد، از مدیرکل به خاطر گزارش وی و همچنین از دبیرخانه به خاطر ارائه توضیحات فنی قدردانی نمایم.
۲. نم تأکید می نماید که همکاری های فنی ستون بنیادین آژانس بوده و انتقال و استفاده صلح آمیز فناوری هسته ای برای توسعه پایدار حائز اهمیت است.
۳. نم تأکید می نماید که یکی از اهداف مهم اساسنامه ای آژانس، تسریع و توسعه مشارکت و ایفای سهم انرژی اتمی در گسترش صلح، بهداشت، سلامت و رفاه در سراسر جهان است. این فعالیت های ارتقایی که برای وظائف آژانس امری ضروری است و از طریق همکاری های فنی تحقق می یابد، به منزله مشوق مهمی برای کشورهای در حال توسعه می باشد.
۴. نم اطمینان کامل خود را نسبت به دانش و مهارت حرفه ای و بی طرفی دبیرخانه آژانس به مدیریت دکتر محمد البرادعی اعلام می دارد. در عین حال، نم برخی از مواضع اصولی خود را در این ارتباط که در سند نهائی اجلاس سران عدم تعهد (۱۱ تا ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۶ در هاوانای کوبا) منعکس شده، مورد تأکید قرار می دهد: "سران کشورهای عضو نم به ویژه بر مسئولیت کشورهای توسعه یافته مبنی بر کمک به رفع نیاز مشروع کشورهای در حال توسعه به انرژی هسته ای از طریق مشارکت دادن کامل آن ها در زمینه انتقال کامل مواد، تجهیزات و اطلاعات علمی و فنی برای مقاصد صلح آمیز با نظر داشت به دستیابی به بیشترین منافع و به کارگیری عوامل توسعه پایدار در فعالیت هایشان تأکید کردند. آن ها همچنین اعلام کردند که هرگونه تلاش از سوی هر کشور عضو برای استفاده از برنامه همکاری های فنی آژانس به عنوان ابزاری برای مقاصد سیاسی را به منزله نقض مفاد اساسنامه آژانس دانسته و به شدت آن را رد می کنند".
۵. نم تأکید می نماید که برنامه همکاری های فنی نباید به عنوان ابزاری برای مقاصد و اهداف سیاسی به کار گرفته شود و توجه می نماید که تصمیمات و اقدامات مرتبط با این موضوع نباید اعتبار آژانس و اصالت برنامه های آن را به مخاطره افکند.

۸. بیانیه گروه ۷۷ و چین در خصوص گزارش همکاری های فنی

۱. گروه با تقدیر، تضمین ارائه شده از سوی دبیرخانه را که تمام پروژه های گنجانده شده در برنامه همکاری های فنی برطبق اساسنامه آژانس و سند ۲۶۷ تنظیم شده اند، مورد توجه قرار می دهد.
۲. گروه مایل است اهمیت فراوانی که برای فعالیت های مبتنی بر همکاری فنی آژانس قائل است را مورد تأکید قرار دهد، چرا که این فعالیت ها از جمله ابزار عمده قانونی برای انتقال فناوری هسته ای به کشورهای در حال توسعه در راستای توسعه اجتماعی و اقتصادی آن ها به شمار می رود. گروه قویاً تأکید می کند که ارتقای کاربردهای صلح آمیز انرژی هسته ای یکی از عوامل اساسی فعالیت های اساسنامه ای آژانس است.
۳. گروه کماکان اطمینان دارد که دبیرخانه برنامه همکاری های فنی را به شیوه ای حرفه ای، بی طرفانه و غیرتبعیض آمیز در پی یک فرایند منسجم و برپایه نیازها و پیشنهادات کشورهای عضو و برطبق اساسنامه آژانس توسعه می دهد.
۴. گروه معتقد است هر هدف و انگیزه سیاسی در زمینه پروژه های همکاری فنی تحت نظارت آژانس، به عنوان نقطه مرکزی جهانی برای تجهیز کاربردهای صلح آمیز دانش و فناوری هسته ای برای رفع نیازهای حیاتی در کشورهای در حال توسعه، نقش سازنده آژانس در ارتقای کاربردهای صلح آمیز از انرژی هسته ای و نتیجتاً اعتبار آژانس را تضعیف خواهد نمود.

۹. جمع‌بندی رئیس شورای حکام در خصوص همکاری های فنی

شورا، از دبیرخانه به خاطر بررسی جامع همکاری های فنی ارائه شده به ایران توسط آژانس قدردانی می کند. حمایت قوی از برنامه همکاری های فنی آژانس ابراز شد و نیاز به منابع مالی مطمئن و قابل پیش بینی برای برنامه مورد تأکید مجدد قرار گرفت. چند عضو، حق اساسی و لاینفک تمامی کشورهای عضو برای توسعه انرژی هسته ای جهت مقاصد صلح آمیز را در تطابق با تعهدات حقوقی مربوطه خود یادآوری کردند. چند عضو، نیاز به هشیاری در مورد این که کمک آژانس به ایران کاملاً با قطعنامه های شورای حکام و شورای امنیت سازگار باشد، مورد تأکید قرار دادند و از دبیرخانه خواستند که شورا را در صورت مقتضی، مطلع نماید. چند عضو تأکید کردند که ارتقای کاربردهای صلح آمیز انرژی هسته ای، عنصر اساسی فعالیت های اساسنامه ای آژانس است. آن ها تأکید کردند که همکاری فنی نباید در معرض شرایط سیاسی قرار گیرد. چند عضو خاطرنشان کردند که پروژه های همکاری فنی مندرج در برنامه همکاری های فنی، مطابق با اساسنامه آژانس و سند ۲۶۷ تنظیم شده اند.